

بسم الله الرحمن الرحيم

نمود مظلوم‌نماییِ یهود؛ از هولوکاست تا حماسه «طوفان اقصی»

هولوکاست به دروغ بزرگ‌ترین حقیقت تاریخی جهت اشغال فلسطین شمرده شده تا جایی که در غرب می‌توان خدای متعال را زیر سؤال برد و کاریکاتور انبیا را کشید، اما نمی‌توان آن را زیر سؤال برد. اکنون این مظلوم‌نمایی صهیونیسم را در ماجرای عملیات حماس می‌بینیم .

درباره امپریالیسم رسانه‌ای جریان صهیون در مقابله با اسلام به ویژه مقابله با اندیشه موعود، باید این نکته را بگوئیم که از حیث تاریخی، رسانه صرفاً بستری برای انتقال پیام نیست بلکه ابزاری در راستای مهندسی افکار، اندیشه‌ها و ذهن‌ها است؛ یعنی باید گفت بزرگ‌ترین ابزار قدرت در دستان جبهه باطل، همان جریان رسانه و فضای مجازی در جهت مدیریت اذهان است؛ لذا مقوله ارتباطات و رسانه، کانون درگیری تمدنی در

روزگار پسامدرن است. از این رو معتقدیم اساساً تحریک اندیشمندان و بسترسازی برای بروز خلاقیتِ اندیشمندان، باید در راستای شناسایی جنبه‌های تحلیل نشده امور ارتباطی و رسانه‌ای باشد و این امر به عنوان یکی از مهم‌ترین بایسته‌ها و الزامات مأموریت‌های نخبگان جهان اسلام شناخته شود.

اما درباره تحلیل کنگشری تمدنی جریان صهیونیسم جهانی در مواجهه با اسلام و به طور خاص مواجهه با آموزه نجات در اسلام، ع راهبرد کلان رسانه‌ای، مدنظر صهیونیسم جهانی است:

۱. تصویرسازی کاذب از میراث تمدنی اسلام:

الف) تصویرسازی کاذب از میراث تمدنی اسلام: در این زمینه، جریان صهیونیسم در پازل امپریالیسم تمدنی غرب، به دنبال انکار نقش اسلام در تمدن‌سازی است. در این راستا، آفرینش‌های هنری و تمدنی در جهان

اسلام به نژادها و قومیت‌ها نسبت داده می‌شود؛ لذا آنها نمی‌گویند تمدن اسلام بلکه از مفهوم تمدن عرب و ایران استفاده می‌کنند. این یک ترفند رسانه‌ای برای تصویرسازی کاذب از میراث تمدنی اسلام است.

ب) تقلیل آفرینش‌های تمدنی اسلام به برخی از فرآورده‌های ظاهری و مصنوعات تمدنی: طبیعی است این ترفند، در تقابل رژیم صهیونیستی با مسلمانان فلسطین به کار می‌آید؛ از این جهت اساساً معتقدند جهان اسلام فاقد عقبه و تبار تمدنی است.

۲. دومین راهبردهشان، معناسازی جدید در گفتمان تمدنی در جهان اسلام:

به عبارت دیگر صهیونیسم در صدد است محاسبات جهان اسلام در عرصه تمدن‌سازی را دچار خدشه کند؛ لذا این جریان دنبال حمایت رسانه‌ای از دگراندیشان و جریان سکولاریسم

در جهان اسلام است. افق تمدنی جبهه مقاومت و افق تمدنی انقلاب اسلامی، تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این تمدن، فلسطین و فتح قدس کلید برپایی حکومت جهانی حضرت بقیةالله الاعظم است. اما جریان صهیونیسم با حمایت از دگراندیشان، در صدد تقویت گفتمان سازش در جهان اسلام است. آنها مدرنیته اسلامی را در جهان اسلام به جای تمدن نوین اسلامی تجویز می‌کنند. در گفتمان مدرنیته اسلامی، سازش با رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته می‌شود. بنابراین، حمایت رسانه‌ای از دگراندیشان، در راستای تضعیف جبهه مقاومت در جهان اسلام است.

۳. سومین راهبرد رسانه‌ای صهیونیست، جنگ شناختی و مدیریت اذهان در عرصه نقش تمدن‌سازی اسلام و به طور خاص آموزه مهدویت است.

یکی از مهم‌ترین اقدامات آنها، تمدن‌آرایی رسانه‌ای آموزه نجات در جریان صهیونیسم مسیحی و صهیونیسم یهودی است. با مروری بر رسانه‌های غربی، متوجه می‌شویم برنامه خاص و مدونی برای تحریف اندیشه موعودگرایی وجود دارد. با توجه به تأثیری که سینما در اقناع مخاطب دارد، بروز و ظهور این مدیریت شناختی در اذهان به وضوح دیده می‌شود. فیلم‌هایی مثل «سفر به سرزمین موعود»، «کتاب الی»، «روی خط سبز»، «۲۰۱۲»، «ارباب حلقه‌ها»، «روز استقلال»، «ماتریکس»، «زندانی»، «نشانه‌ها»، «پایان روزها» و... نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری کلان جریان صهیونیسم جهانی در ارائه نسخه کاذب درباره موعود در دنیاست.

آنچه در اندیشه هالیوودی از پایان تاریخ به بشر معرفی می‌شود، استیلای غرب و باقی ماندن پیروان تمدن غرب در آخرالزمان است. دوگانه‌ای که در این فیلم‌ها به مخاطبان در قالب خیر و شر

ارائه می‌شود، دو گانه خیرِ صهیونیسم و تفکر غربی و نیز شرّ جبهه مقاومت و تفکر اسلامی است. نجات و منجی که در این فیلم به مخاطب منتقل می‌شود، تمسک به تفکر غربی و آمریکایی است. در این فیلم‌ها، منجی شخصیتی انسانی، اما نه مقدس بلکه بعضاً خیالی، افسانه‌ای و ماورای انسانی معرفی می‌شود.

سابقه مظلوم‌نماییِ یهود در هولوکاست برای اشغال فلسطین

نکته دیگری که در جنگ شناختی صهیونیست و مدیریت اذهان باید به آن توجه شود، قربانی‌سازی کاذب و مظلوم‌نمایی رسانه‌ای برای قوم یهود است. در این راستا، هولوکاست به مثابه بزرگ‌ترین دروغ تاریخی و کانون انبوه تولیدات رسانه‌ای در غرب قرار گرفته شده است؛ به تعبیر برخی اندیشمندان، دروغ بزرگ هولوکاست، بزرگ‌ترین بهانه برای جنایات

رژیم صهیونیستی در فلسطین است؛ لذا در برخی از فیلم‌های آخرالزمانی، راه نجات انسان‌ها از مشکلات بزرگ جهانی، زندگی در شهر صهیون دانسته شده است. همچنان که فیلم‌های سه‌گانه ماتریکس، صهیون یا زایان، تنها پناهگاه و هسته مقاومت انسانی در هزاره سوم خوانده می‌شود. دروغ بزرگ هولوکاست، بزرگ‌ترین بهانه جریان صهیونیسم در اشغال فلسطین، اسارت فلسطینیان و کشتار آنها است. هولوکاست در قالب جنگ شناختی و مدیریت اذهان صهیونیسم، به بزرگ‌ترین حقیقت تاریخی شمرده شده تا جایی که در غرب می‌توان خدای متعال را زیر سؤال برد، می‌توان کاریکاتور انبیای الهی را کشید، اما نمی‌توان دروغ بزرگ هولوکاست را زیر سؤال برد.

مصدق روشن و نزدیک مظلوم‌نمایی کاذب صهیونیسم، مظلوم‌نمایی رسانه‌ای آنان در حمله اخیر حماس به شهرک‌نشینان صهیونیستی است. این

مظلوم‌نمایی بهانه‌ای برای ارتکاب جرم
بزرگ در غزه و نیز انحراف اذهان از
جنايات در غزه است.

**صهیونیست‌ها خود را از مشتاقان ظهور مسیح
معرفی می‌کنند**

یکی دیگر از اقداماتی که در ذیل جنگ شناختی
و مدیریت اذهان توسط صهیونیست‌ها انجام
می‌شود، تحمیل رسانه‌ای الگویی خاص از نجات
تمدنی است. به عبارتی، جریان صهیونیسم
مسیحی و یهودی، با طرح موضوعات
آخرالزمانی، خود را از مشتاقان ظهور منجی و
بازگشت و رجعت مسیح قلمداد می‌کنند؛ اشغال
عراق، در راستای زمینه‌سازی ظهور مسیح
توجیه شده است. جورج دبلیو بوش رئیس
جمهور آمریکا کشور ایران، عراق و کره شمالی
را محور شرارت نامیده است. خاستگاه کاربست
اصطلاح «محور شرارت» که اصطلاحی
آخرالزمانی است، به کتاب اشعیای نبی در عهد

عتیق بر می‌گردد که یکی از مهم‌ترین زمینه‌سازان ظهور مسیحا، مأموریت مبارزه با محور شرارت را بر عهده دارد. به عبارتی، اگر بوش ایران، عراق و کره را محور شرارت می‌نامد، این پیام را به مسیحیان منتقل می‌کند که این سه کشور دجال و یا ضد مسیح هستند تا ظهور مسیحا را به تأخیر اندازند.

ترسیم خط منجی در غرب از مسیر معارضه با تمدن ایرانی می‌گذرد

ع. چهارمین راهبرد رسانه‌ای جریان صهیونیسم و امپریالیسم تمدنی غرب علیه اسلام و اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت، عملیات روانی در رسانه علیه تمدن نوین اسلام و آموزه مهدویت است. در این راستا اقتدارزدایی از ایرانیان در ایران پس از انقلاب، یکی از مهم‌ترین مصادیق عملیات روانی است. به عبارتی، خط فرهنگی ترسیم منجی موعود در غرب باید مسیر خود را از طریق معارضه با تمدن ایرانی سامان دهد. به

عبارتی، در عملیات روانی غرب و صهیونیسم علیه اسلام، منجی بودن انسان غربی در تقابل گفتمانی با تاریخ و تمدن ایران دیده می‌شود. فیلم‌هایی نظیر «اسکندر»، «شبی با پادشاه»، «پادشاه ایران»، «کشتی‌گیر» و «۳۰۰» در این قالب می‌گنجند. برای نمونه در فیلم اسکندر تکرار حادثه تاریخی پایان جنگ‌های ایران با یونان با پیروزی اسکندر مقدونی به تصویر کشیده شده است. در دیالوگ‌های این فیلم ایرانیان برابر و به مثابه قومی بی‌تمدن تلقی می‌شوند. فیلم‌های اسکندر و ۳۰۰ نقش مهمی در عملیات روانی غرب علیه اسلام به ویژه انقلاب اسلامی بر عهده داشتند. القای پیام خودتحقیری رسانه‌ای در جهان اسلام، تضعیف روحیه مسلمانان، برچسب‌زنی، اسطوره‌سازی کاذب، شایعه‌سازی، نمادسازی کاذب از ضد فرهنگ‌ها، از دیگر ترفندهای رسانه‌ای جریان صهیونیسم در راستای عملیات روانی علیه تمدن اسلامی و آموزه نجات‌گرایانه مهدویت است.

